

سوك علم و ادب

خاتم انبیای سخن و سرآمد سروران ادب عارف ربانی و حکیم صمدانی (میرزایحیای مدرس) اصفهانی را شب هفتم یا هشتم ذیقعده الحرام سنه ۱۳۴۹ قمری هجری مطابق با فروردین ۱۳۱۰ شمسی فرمان در رسید و بمرك ناگهانی سرای زندگی را بدرود گفت

میرزایحیای مدرس — در علوم عقلیه و تقایه و عربیه استاد و در علوم ادبیه متخصص و فرد منحصر و بیش از صد هزار بیت شعر از اساتید عرب و عجم محفوظ داشت و با این همه در ایران گمنام و در اصفهان مجهول القدر و هیچگاه مدعی فضل و ادب و شهرت نبوده در گوشه عزت و انزوا بسر می برد .

اصفهان — در قرن اخیر دارالعلم ایران بود و بسبب وجود اساتید بزرگ از همه جا طلاب با اصفهان مهاجرت کرده تحصیلات خود را بتکمیل می برداختند .

در علوم حکمت و ریاضی (آخوند ملا محمد کاشی و جهانگیر خان قشقائی) و در فقه و اصول (آخوند ملا عبدالکریم گزی و سید محمد باقر دریچه) و در ادبیات (میرزایحیای مدرس) استاد درجه اول بشمار آمده و بعد از آنان در درجه دوم و سوم اساتید دیگر هم بسیار بودند و در میان ده هزار طلبه و محصل مسالم هزار نفر اشخاص فاضل و مردان کامل یافت می شدند که هنوز هر کدام در هر ولایت باقی هستند در حد خود بی نظیر میباشند و از آن زمره است (آقاسید حسن طبسی) در خوزستان و (شیخ محمد حسین فاضل تونی) در طهران و (شیخ محمد خراسانی) در اصفهان و اگر امثال اینان هم از مملکت رخت بر بندند بکلی علوم و فضائل منسوخ و میدان مدعیان کذاب و سیع تر از امروز خواهد شد .

خاتمه تمام اساتید و فضلاء اصفهان میرزا یحیای مدرس بود و پس از

رحلت وی فضل و ادب اصفهان بلکه ایران را بدردگفت استاد جمال الدین دویت ذیل را باندیل کلمه (کریم) به (ادیب) گوئی در وصف این زمان سروده است

ز سیر هفت ستاره در این دوازده برج بده دوازده سال اندرین دیار و حدود
هزار مرد ادیب از وجود شد بعدم که یک ادیب نمی آید از عدم بوجود
(شرح حال استاد فقید)

شرح حال استاد فقید در مجله ارمنان سال نهم صفحه ۴۵۷ باجمال نگاشته شده و اینک هم چون تفصیل حال دردست نیست باشارت اجمالی و نگارش یکمرتبه و ماده تاریخ از طبع خسته و اندوهگین خویش قناعت میکنیم . فضلا و شعراے اصفهان هم مراثی بسیار در ماتم استاد فقید سروده اند و شاید من بعد بدرج بعضی از آنها توفیق یابیم .

چنانکه فرزند ارشد استاد (میرزا محمد حسین مدرس زاده) مینگارد (و اهل البیت ادری بما فی البیت) ولادت استاد سنه ۱۲۵۴ قمری یاسنه ۱۲۵۵ در کربلاے معلی اتفاق افتاده . پدرش محمد اسمعیل و جدش محمد باقر و جز پدر آباء و اجداد وے همه در عداد اکابر علما و فضلا محسوب بوده اند . بنابراین قول سن استاد به نود و چهار یانود و پنج سال قمری بالغ بوده ولی در ضمن شرح حال سابق عمروی را مطابق نگارش خودش قریب بهفتاد نگاشته ایم و شاید آنوقت سهو و اشتباهی در طبع مجله رخ داده باشد .

استاد فقید -- تاشانزده سالگی در عتبات عالیات بوده و علوم مقدماتی را از محضر شیخ محمد باقر نام همدانی و فقه و اصول را از مدرس شیخ انصار با استفاده و استفاضه پرداخته است .

نخستین شعری که از طبع و قادی بر خاسته بیت ذیل است که در ترجمه بدل غلط

(حبیبی قمر بل شمس) در محضر شیخ انصاری بیدیه سروده و تمام حضار را مورد تحسین و تعجب واقع گردیده است (تشبیه رخت بماه کردم - شمسی و من اشتباه کردم)

استاد فقید . در شانزده سالگی با پدر و تمام خاندان باصفهان آمده و در محضر اساتید بتحصیل علوم عقلیه و تقابله و ادبیه پرداخته و پس از تکمیل بتدریس اشتغال ورزیده و اغلب ادبا و فضلالی عصر در اصفهان و اکثر ولایات ریزه خواران خوان تعلیم و تربیب وی بشمار می آیند

استاد فقید - در علوم غریبه هم تسلط کاملی داشت و درین فن استادوی (حاجی ملاهادی) سدهی است که یکی از اقطاب زمان و اوتاد روزگار در عصر خویش بشمار ست و محامد اوصاف این مرد مجرد کامل چنانکه استاد میفرمود و نگارنده مکرر شنیده است از حین تحریر و تقریر خارج است ،

استاد فقید . از مغیبات هم گاهی خبر میداد و همه مطابق واقع اتفاق می افتاد چنانکه در شرح حال وی در سابق نگاشته شده و تقریباً شش ماه قبل ازین که نگارنده در اصفهان از فیض محضرش بهره مندی داشت بایماء و اشارت وفات خویش را خبر داد . و روزی که برای تودیع و اجازه حرکت طهران بخدمتش مشرف شدم سؤال فرمود که چه وقت دیگر باصفهان مراجعت خواهی کرد . جواب دادم تا بستان سال آینده . فرمود . گمان نمیکنم در آن وقت دیگر مرا به بینی . من همان وقت چون معتقد بسخن وی بودم پیش آمد رحلت بخاطرم خطور کرد ولی خود را تسلیت داده و این سخن را در عداد سخنان معمولی قرار دادم . بی نهایت تأسف دارم از اینکه خبر رحلت استاد وقتی در طهران بمن رسید که سخت مریض بستری و قادر بر ادای وظیفه بهیچوجه نبودم و ازین سبب نگارش شرح حال و مرثیت از شماره اول این سال بشماره دوم محول گردید و

سایر وظایف هم متروک ماند.

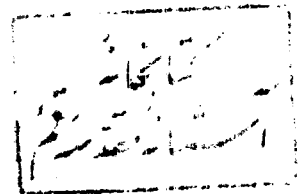
دیوان شعر استاد تقریباً بالغ بر بیست هزار بیت و بیشتر مسعط و ترکیب بند و مستعمل بر اخلاق و پند و حکمت و ستایش بزرگان دین است و در آنیه نمونه از آن زیب مجاه ارمغان خواهد گردید. اینک بیک مرثیه و ماده تاریخ از طبع افسرده و روان پژمرده خود اکتفا می کنیم

وحید

✽ مرثیه و تاریخ ✽

فغان کنز جور چرخ و اختر بی مهر کین توش
 محرم گشت در این سال بر ما عید نوروز
 نه بید دیده اهل نظر تا چهره شادی
 سپاه غم هجوم آورد و سوک آمد قلاوش
 کمانکش گشت بر خورشید چرخ معرفت کیوان
 هدف گردید جان مردمی بر تیر دلدوزش
 فروزان اختر اشراق مشاشد سوی مغرب
 رواق دخمه پوشانید چهر حکمت افروزش
 ز گیتی رخت بست استاد دانای ادب آئین
 سیه شد چون شب گیتی بر ارباب ادب روزش

حیات علم یحیای مدرس فخر اصفهان
 که پیر عقل بددر مدرسش طفل نو آموزش



همه احکام غیبی پیش چشم عقل مکشوفش همه ارقام لاریبی بصحن سینه مرکوزش
 رموز صنع یزدانی بلوح فکر منقوشش کنوز عرش رحمایی بکنز طبع مکنوزش
 هویدا در سویدا بی حجاب اسرار پنهانش بدیهی در نظر بی اشتباه آیات مرموزش